

معرفی و بررسی کلیات فیضی

زاهده ناز

دانشجوی دوره دکتری

گروه زبان و ادب فارسی، دانشگاه پنجاب، لاہور

ANTHOLOGY OF FAIZI AN INTRODUCTORY STUDY

Zahida Naz

PhD Scholar (Persian)

Department of Persian, University of the Punjab, Lahore

Abstract

Abul al Faiz Faizi was an accomplished poet of the Sub continent whose poetic excellence was acknowledged throughout the Persian speaking world. He was associated with the court of emperor Jalal al Din Akbar as Poet Laureate. His poetic renditions were scattered here and there and finally got compiled in an anthology by A.D Arshad and published from the University of the Punjab, Lahore in 1967. This article is an introductory study of the said anthology besides a brief note on Faizi.

Keywords:

Faizi, Sheikh Mubarak, Jalal al Din Akbar, Iran, Mulla Abdul Qadir Badayooni, Shibli Naumani, Punjab University

این مقاله اساساً مشتمل بر دو قسمت می باشد. در قسمت اول معرفی فیضی، ملک الشعراء دربار اکبری است و در قسمت دوم مجموعه کلام فیضی بعنوان معرفی و بررسی کلیات فیضی وجود دارد که به اهتمام و همکاری اداره تحقیقات پاکستان، دانشگاه پنجاب، لاهور در سال ۱۹۶۷ م اولین بار به چاپ رسید.

بدون مرور پیشینه روابط قدیمی بین ایران و شبه قاره، می بینیم که زبان فارسی در این منطقه همین که وارد شد تحت تاثیر اهالی این منطقه قرار گرفته شد. مردم به این زبان شیرین نوشتند و شعر سرودند و این زبان محاوره ای مردم این منطقه شد. فارسی در زبان و ادبیات شعر و نثر خوب رونق گرفت. یکی از اینها ابوالفیض فیضی بود که ستاره درخشان آسمان شعر فارسی بود. وی در ۹۵۲ ق در آگره بدینا آمد.

”شیخ ابوالفیض پسر شیخ مبارک و برادر شیخ ابوالفضل وزیر جلال الدین اکبر شاه از شاعران و نویسندگان نامی فارسی زبان در قرن دهم هجری است.“ (حقیقت، ۲۵۱)

مقام و منزلت فیضی در نظر شبلی نعمانی خیلی بالاست او می گوید:
 ”در شعر فارسی در مدت شش صد سال در هندوستان دو نفر وجود دارند که اهل زبان نیز آنها را تسلیم می کنند:
 خسرو و فیضی.“ (شبلی، ۸/۲)

بگفته مؤلف شعر العجم پدر فیضی عربی النسل بود. نامش شیخ مبارک بود. وی مرد عالی مرتبت بود و در علوم ظاهری و باطنی بهره ور بود. دکتر سعید نقیسی می گوید:

”پدرش شیخ مبارک از ادبا و عرفای نامی زمان خود بود.“ (نقیسی، ۳۶۳/۱)

وی تفسیر قرآن کریم چهارمجلد بعنوان ”منبع العلوم“ نوشت که اسلوب نگارش آن مانند تفسیر کبیر بود.

فیضی از بچگی شعر گفتن را آغاز کرد. در ده سالگی طبع شعریش روان شد. ملا عبدالقادر بدایونی یک غزل آن زمان وی را نقل کرده است:

ای قد نیکوی تو سروروان وی خم ابروی تو شکل کمان
حلقه گیسوی تو دام جنون طره هندوی تو کام چنان
هم لب جادوی تو آب حیات هم خط دلجوی تو خفته زمان
آمده آهوی تو عین بلا کشته آهوی تو شیر ژیان
بسته گیسوی تو فیضی زار خسته هندوی تو خلق جهان
(بدایونی، ۲۲۳/۳)

فیضی پسر یک مرد فاضل و عالم بود و خودش نیز در این زمینه مهارت تمامه داشت. اشکال های شدیدی مواجه شد باز هم مشق سخن را ادامه داشت. تا اینکه در سرا سر هندوستان معروف گردید. و توسط برادر رضاعی اکبر پادشاه به دربار اکبری رسایی یافت. طبق شبلی:

”تقرب فیضی روز افزون شد اما هیچ نوع خدمتی بعهده نداشت، طبیب بود، نویسنده بود، شاعر بود، و به این شغل ها بکار برده، آموزش و پرورش شهزادگان نیز بعهده داشت.“ (شبلی، ۳۸/۳)

دکتر سعید نفیسی درین مورد می نویسد:

”فیضی از جوانی وارد دربار جلال الدین اکبر پادشاه شد و در سال ۹۸۷ ق مری شاهرزاده مراد پسر دوم اکبر شد و سپس مری هر سه پادشاه یعنی سلطان سلیم و شاه مراد و شاهرزاده دانیال بود.“ (نفیسی، ۳۶۳/۱)

بنابه وابستگی از دربار اکبر، وی مرفه الحال شد و از زندگی آسوده ای برخوردار گردید. اوضاع مالی اش عوض شد. توسط استعداد خدادادی شاعر دل پسند پادشاه گردید. و تقرب آن جست.

وی هر جا در سفر و حضر همراه پادشاه می شد. نزد درباریان پادشاه پایه ارجمند یافت و از مصاحبین ویژه ای اکبر شمرده شد. پادشاه نیز همراهی او را در سفر و حضر دوست می داشت.

”آن شاعر بلند فکر که یک عالم شگفته طبع بود. بنا به خرد و فهم و فراست و استبصار و فراخدلی در کوتاه مدتی به درجه مصاحبت رسید. و در چند روزه این شد که در سفر و حضر به هیچ جا و به هیچ وجه از او جدا شدن قبول پادشاه نبود. (آزاد، ۳۶۱)

فیضی دومین ملک الشعراء سلاطین چغتایه بود. قبل ازین غزالی مشهدی بسمت ملک الشعرائی دربار بود. پس از مرگ غزالی مشهدی، فیضی به عهده ملک الشعرائی ارتقا یافت. وی به هیچ وقت برای این رتبه سعی و تلاش ننموده بود. حقیقت اینست که فیضی از جاه و منصب بی نیاز بود. وی مصاحب خاص پادشاه بود. پس این جاه و مرتبه برایش اهمیتی نداشت. او فقط با فضل و دانش سروکار داشت و همین چیز مورد توجه آن بود و براین افتخار داشت.

”... بعد از آن شیخ فیضی دریافت. این خطاب نیز دلخواه او نبود. او قربت فوق العاده و اقتدار داشت اما برای هیچ نوع دولت یا منصب حریص نبود. حکمفرمایی ملک سخن از خدا آورده بود.“ (آزاد، ۳۶۲)

التفات پادشاه اکبر هر روز افزون تر گردید. اکبر خوب می دانست که فیضی هیچ طمع به جاه و مرتبه ندارد. اما برای پادشاه اکبر لازم بود که همسفر خود را به منصب ملک الشعراء گمارد.

پس توسط پادشاه اکبر در سال ۹۹۷ ق / ۱۵۸۸ م از خطاب ملک الشعراء بهره ور شد. (صباح الدین، ۱۳۳)

فیضی یک شخصیت کثیرالجهات بود. و بر هر موضوع حرف آخر بود. او پرکارترین و باذوقترین سخنوران زمان خود بود. وی توسط شعر خویش معروف گردید. وی دوستان علم و ادب و کتاب بود. "ذوق حقیقی شیخ، خدمت علم و فن بود. وی دوستان کتاب بود. یک کتابخانه گرانبها درست کرد که تویش ۲۰۰۶ کتاب وجود داشت و بیشتر از آنها نوشته مؤلف یا در زمان مؤلف به تحریر در آورده بود. این کتابها مشتمل بر سه نوع علوم بوده (۱، طب و نجوم و موسیقی، ۲، حکمت و تصوف و بهیت و هندسه، ۳، تفسیر و حدیث و فقه و غیرهم. (شبلی، ۲۴/۳)

مؤلف شعر العجم فی الہند در مقدمه می نویسد:

فیضی در قصیده و غزل و مثنوی در سه صنف سخن طبع آزمائی نمود و در مثنوی به کمال رسید. مثنوی عاشقانه او نل و دمن مقام فوق العاده ای داشت که نصیب هیچ کس دیگر نشده است. جوش بیانی از ویژگی های اوست و تغزل زمینه خاصی اوست. (اکرم، ۲۹، ۲۸)

این امر واقعی است که از آثار شعری فیضی نل و دمن در مقام والایی یافت. این مثنوی مشتمل بر چهار هزار بیت می باشد. بدایونی حریف بزرگی فیضی درباره آن مثنوی ستایش نموده است طبق شبلی:

"ملا عبدالقادر بدایونی هر جا که ذکر فیضی می آید یاوه گونی می کند اما اینجما مجبور شد که ستایش کند. می گوید: والحق مثنوی است که درین صد سال مثل آن بعد از امیر خسرو شاید در هند کسی دیگر گفته باشد". (شبلی، ۵۶/۳)

بگفته ابوالفضل:

"الحق در همگی مراتب شعر طراز یکتایی دارد، به زبان

فارسی و تازی دلاویز مضمون برگزارد، و بی رنگ گهرها
برفشاند، و از هنروی آگهی به حکمت نامها پردازد و به کار
کرد روزگار آبادی بخشد“ (ابوالفضل، ۵۳۵/۳)

همما نظوریمکه در زبان و ادبیات اردو نثر مرصع و مسجع رواج
داشت و مرزا غالب در نامه های خود نثر اردو را به سادگی و سلاست
طوری رواج داد که نثر اردو نمونه فوق العاده ای قرار گرفت. به هما نظور
فیضی در زمانی که می زیست نثر فارسی مسجع و مقفع بوده و این را نقطه
کمال می دانستند اما فیضی این روش را با نثر ساده فارسی مبدل کرد.
شبلی می گوید:

”فیضی نخستین نفری باشد که نثر ساده را آغاز کرد.
و در این روش اگر کسی همراه آن می باشد آن حکیم
ابوالفتح است که رقعات بنام چار باغ معروف گردید ... از
نامه های فیضی فرهنگ و تمدن آن زمان، رسوم و رواج
و اوضاع هرگونه آشکار است.“ (شبلی، ۶۰/۳)

انشای فیضی شامل درخواست نامه های می باشد که به اهتمام
و همکاری نورالدین محمد عبدالله بنام ”لطیفه فیضی“ جمع آوری شد.
این درخواست ها مشتمل بر اسرار و رموز کشورداری می باشند که دارای
حرفهای باریکی است. فیضی تمام نکته های ریز ریز جمع کرده که موجب
قدردانی و ارزانی اش شد. (آزاد، ۳۷۴)

بسبب هنر و کمال تامه ای، فیضی مواجه حسد معاصرینش شد
و اتهامات گوناگونی بر او زدند یکی از اتهامات این بود که او گمراه بود و
نه فقط گمراه و بد عقیده بود بلکه گمراه کننده پادشاه اکبر نیز بود. در این
زمینه صاحب دربار اکبری توجیه خوبی داده است که ”اگر بر فیضی این
اتهام زدند که اکبر بسبب فیضی دست از مسلمانی شسته و دین جدید

وضع کرده است خودش ملحد بود و پادشاه را نیز ملحد کرده. دوستانم! این قصه سیصد سال است نمی دانیم که فیضی از او رنگ گرفته یا نوکر مطیع در رنگ آقای خود رنگ مصالح ملکی گرفته. اگر فیضی رنگ زده است مورد ستایش قرار شود که حریفان به بهانه فتاوی شریعت همه وقت در پی قتل رساندن او آماده بودند، از آنها نجات پیدا کرد و سرخرو هم شد. (آزاد، ۳۸۰)

فیضی جویمای علم و دانش بود و ستایش کننده صاحبان علم و دانش بود. وی جهت قدر دانی آنان سعی و تلاش بسیار داشت. اگرچه خود همیشه توسط معاصرینش مواجه حسد شد اما تشویق و همکاری صاحبان علم و فضل را در کنار نگذاشت. در هایش همیشه برای آنان باز بودند. براخلاق عالییه او صاحب دربار اکبری نظر داشت:

”شیخ فیضی سخاوت مند و میهمان دوست بودند، سفره شان همیشه برای علماء، سخنوران و اهل کمال آماده بود برای دوستان، نا آشنایان، دوست و دشمن برای هر کس و ناکس درش باز و سفره اش پهن بود. هر اهل کمال که می آمد در خانه خودشان میهمان نوازی می کردند، خوب رفتار می کردند و در حضور پادشاه می بُردند و معرفی می کردند و در دربار شاغل یا هرچه در نصیب نوشته جوایز و اهدا می گرفتند.“ (آزاد، ۳۸۵)

فیضی از دربار اکبر تعلق داشت. از تعلق دربار از نشست و برخاست آن خواسته و ناخواسته آشنایی از امور دولتی امر طبیعی می باشد. و اغلب دیده می شود وابستگی به دولت و قرب به اراکین دولت هدف جاه و منصب می باشد اما فیضی هیچ نوع طمع نداشت و اصلاً حریص سیاستمداری نبود اما طبق خواهش اکبر سفارت به عهده داشت. او کار سفارتی را به خوبی انجام داد.

در سال ۹۹۹ق / ۱۵۹۰م اکبر فیضی را بعنوان سفیر منتخب کرده به راجه علی خان خاندیس فرستاد. فیضی سیاستمدار بزرگی نبود و فعالیت‌های سیاسی خلاف میل او بود، اما وی دوست عزیز و متعهد اکبر بود لذا برای سفارتخانه انتخاب او بعمل آمد که بطور احسن انجام داد. (صبح الدین، ۱۳۵)

در پایان سوال این است که چرا کلام فیضی مقبول عام نشد؟ طبق نظر ابوالفضل دشوار گزاری آن سبب شد. وی هیچ وقت بر کمالات خود نظر نکرده اما کلامش به یادگار روزگار گذاشت. (صبح الدین، ۱۳۲)

کلیات فیضی ترتیب ای. دی. ارشد، اولین بار با تصحیح و نظر ثانی دکتر سید وزیرالحسن عابدی، دانشور معروف فارسی به اهتمام و همکاری اداره تحقیقات پاکستان، دانشگاه پنجاب، لاهور در سال ۱۹۶۷ در ماه مه به چاپ رسید. این کتاب با همکاری هزینه مالی سازمان اوقاف دولت پاکستان مرتب و چاپ شد. پیش لفظ کتاب توسط دکتر شیخ محمد اکرام و مقدمه بلیغی که مشتمل بر ۲۰ صفحه می باشد توسط دکتر ای. دی. ارشد نوشته شد. در ترتیب کلیات، اول دیباچه فیضی سپس قصیده ها، ترکیب بندی، ترصیع بندی، ترجیع بندی، غزلیات، مطالع، غلط نامه و در آخر کتاب تقطیع نامه دکتر سید وزیرالحسن عابدی وجود دارد. دکتر شیخ محمد اکرام، در پیش لفظ هدف جمع آوری و چاپ کلیات را به این طور توضیح داد:

”صدها بل که هزارها سخنوران توسط زبان فارسی نظرات قلبی خود را ارایه نمودند. و برجسته ترین سخنوران که عناصر خمسه شعر فارسی شبه قاره شمرده شوند، مسعود سعد سلمان لاهوری، امیر خسرو، فیضی، غالب دهلوی و اقبال می باشند. اینان نه فقط مقام والایی و برجسته در ادبیات داشتند بلکه نماینده زمان خود نیز بودند.

افکار هرچار نفر در ایران و شبه قاره چاپ و نشر شد. اما کلام فیضی، ملک الشعرائی دربار اکبری، فقط یک قسمتی به چاپ رسید. الان در این زمینه اداره تحقیقات پاکستان سعی می کند که این را جبران کند. (فیضی، الف)

از حرفهای بالا پیداست که کلام فیضی وجود داشت اما پراکنده بود. ضرورتی داشت که یک جا جمع شود. پس در کلیات فیضی تمام کلام فیضی جمع آوری شده است.

مقدمه کلیات را، دانشمند معروف، با زحمات خسته ناپذیر مفصلاً نوشته است. گوشه های مختلف حیات فیضی مورد بحث قرار گرفته است. آغاز زندگانی شعری، درباری، درگذشت، آثار و تألیفات فیضی، و بررسی و معرفی احوال و آثار فیضی در کلیات فیضی وجود دارد. آثار فیضی شامل هشت کتاب می باشند:

- دیوان (قصیده ها و غزل ها)
 - مثنوی مرکز ادوار (تصوف و عرفان)
 - مثنوی نل دمن (داستان کوتاه)
 - ترجمه منظوم بهگوت گیتا (مذهب)
 - ترجمه لیلاوتی (حساب)
 - سواطع الالهام (تفسیر)
 - موارد الکلم (اخلاق)
 - لطیفه فیاضی (مجموعه نامه ها) (فیضی، مقدمه ۴)
- مرتب کننده، در اواخر مقدمه در ضمن مهم ترین مراجع مطالعات فیضی را نیز درج کرده است.

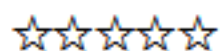
- منتخب التواریخ، عبدالقادر بدایونی
- اکبر نامه، ابوالفضل علامی
- آنین اکبری، ابوالفضل علامی

- چهار باغ، کلیم ابوالفتح گیلانی
 - مآثر رحیمی، عبدالباقی نهاوندی
 - مآثر الامراء، شاهنواز خان
 - طبقات اکبری، بخشی نظام الدین احمد
 - تاریخ فرشته، محمد قاسم فرشته
 - لطیفه فیاضی، (مکتوبات فیضی)
 - مکاتیب علامی، ابوالفضل علامی
 - هفت اقلیم، امین احمد رازی
 - تذکره خلاصه الاشعار وزبده الافکار، تقی الدین کاشی
 - تذکره ریاض الشعراء، واله داغستانی
 - تذکره سرو آزاد، غلام علی آزاد بلگرامی
 - تذکره آتشکده، لطف علی بیگ آذر
 - تذکره نقایس المآثر، علاء الدوله قزوینی
 - هفت آسمان، احمد علی آقا
 - تزک جهانگیری، نور الدین جهانگیر پادشاه
 - سفینه الاولیاء، دار الشکوه شاهزاده
 - شعر العجم، شبلی نعمانی (فیضی، مقدمه ۲۰)
- تعداد قصیده های فیضی در کلیات فیضی ۳۲ می باشد. ۸ تا
 قصیده کامل نیست. تعداد ترکیب بندها شش می باشد از آنها یک
 ترکیب بند و یک ترجیع بند کامل نیست.
- در صفحه سی و شش و سی و هفت، دو تا غزل وسط قصیده ها
 وجود دارند. همما نظور در صفحه ۱۰۷ تا ۱۲۲ یک غزل و در صفحه
 ۱۲۱ یک مرثیه وجود دارد.

غزلهای فیضی با ترتیب الفبایی و تعداد آنها درج می باشد.

ردیف	تعداد	ردیف	تعداد
الف	۱۰۳	ب	۱۰
ت	۱۰۴	ث	۰۳
ج	۰۱	ح	۰۶
خ	۰۳	د	۲۱۳
ذ	۰۳	ر	۱۵
ز	۰۷	س	۰۳
ش	۲۲	ص	۰۳
ض	۰۲	ط	۰۴
ظ	۰۲	ع	۰۳
غ	۰۳	ف	۰۴
ق	۰۳	ك	۰۶
ل	۰۷	م	۹۲
ن	۳۴	و	۰۷
ه	۱۹	ی	۵۷

غزلهایی که کامل نیست تعداد آنها چهل و چهار می باشد، در نسخه چاپ عملی گره تعداد مطالع پانزده می باشد اما در نسخه مفید الخلاق ده است. در آخر کلیات غلط نامه مشتمل بر شش صفحه و تنفیح نامه مشتمل بر پنج صفحه می باشد.



کتابشناسی

- (۱) ابوالفیض فیضی، ۱۹۲۷م، کلیات فیضی (مرتبہ ای. دی. ارشد)، ادارہ تحقیقات پاکستان، دانشگاه پنجاب، لاہور
- (۲) ابوالفضل، ۱۳۷۲ش، اکبر نامہ، مؤسسہ مطالعات و تحقیقات فرهنگی، تہران
- (۳) سعید نفیسی، ۱۳۲۴ش، تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی، ایران
- (۴) شبلی نعمانی، ب ت، شعرا العجم، نیشنل بک فاؤنڈیشن، اسلام آباد
- (۵) شیخ اکرام الحق، ۱۹۲۱م، شعر العجم فی الہند، مولتان
- (۶) صباح الدین عبدالرحمن، ۱۹۸۹م، بزم تیموریہ، نفیس اکادمی، کراچی
- (۷) عبدالرفیع حقیقت، ۱۳۲۸ش، فرهنگ شاعران زبان پارسی، شرکت مؤلفان و مترجمان ایران، تہران
- (۸) محمد حسین آزاد، ۲۰۰۱ء، دربار اکبری، سنگ میل پبلی کیشنز، لاہور
- (۹) ملا عبدالقادر بدایونی، ۱۹۲۸ء، ملا، منتخب التواریخ، (مرتبہ مولوی احمد علی)، کلکتہ

